

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۷ / ۳۰
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	مطلب پنجم: استعاذه			
عنوان ۳	اقسام شرور • ۱. شرور اختیاریه ➤ حکمت شرور اختیاریه • ۲. شرور اضطراریه			
عنوان ۴	انواع شرور اضطراریه • ۱. شرور اضطراریه حاصل از سوء اختیار انسان • ۲. شرور اضطراریه ای که تکامل انسان در جهان آفرینش، متوقف بر آنهاست • ۳. شرور ناشی از تراحم			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

بحث ما درباره شرور است که به مناسبت بحث استعاذه، به آن می پردازیم. گفتیم شروری که در عالم خلق، وجود دارند، دو قسمند:

- شرور اختیاریه؛
- شروط اضطراریه.

شرور اختیاری یعنی آن چیزهایی که با سوء اختیار بشر و با رفتار فاعل اختیاری - چه بشر، چه وجود اختیاری دیگر- با اختیار یک فاعل مختار بشری یا غیربشری، به وجود می آید. خدای متعال عالم خلق را زیبا آفریده؛ به موجودات انسانی، اختیار داده که از این هستی، استفاده کنند؛ از خوبی های این جهان، بهره برند و راه کمال را در پیش گیرند و خود را رشد دهند، اما اختیار بد می کنند و به جای اینکه راه خوب را برگزینند، راه بد را گزینش می کنند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۱.

این نوع از شرور اختیاریه، حکمتشان معلوم است. این شرور، سبب تمییز صالحین از غیر صالحین می شود؛ یعنی هم صالح از غیر صالح، تمییز داده و صفشان از هم جدا می شود و در عالم آفرینش، صالحین در برابر غیر صالحین، جلوه

۱. سوره انسان: ۳.

می کنند؛ هم تمییز بین صالح و فاسد به وجود می آید و هم تمییز بین درجات صالحین و فاسدین، پیدا می شود و این از مهم ترین حکمت های آفرینش و از زیباترین جلوه های آفرینش است؛ چون این آفرینش، به عالم موجودات اختیاریه، امکان داده است که صلاح یا فساد را برگزینند، و اگر صلاح را انتخاب کردند، درجات صلاح را هم می توانند پیمایند و با اختیارهای خوب و بد، و با این شرور اختیاریه، این تمییز حاصل می گردد.

در قرآن کریم دارد که یکی از خصوصیات روز قیامت آن محکمه عدل الهی، امتیاز بین صالح و فاسد است: ﴿وَأَمَّا زُورَ الْيَوْمِ أَتْيَاهَا الْمُجْرِمُونَ﴾^۱.

در چند جای قرآن کریم، به این حقیقت جدا کردن صالح از فاسد، اشاره شده و صالحی که خوب اختیار کرده و همیشه خوب تر را برگزیده، و آنکه همیشه خوب را گزینش نکرده یا همیشه انتخابش خوب تر نبوده، از هم تمییز داده می شوند. آنچه منشأ این تمییز شده، همین شرور اختیاریه است؛ یعنی اختیار یک فعلی که خوب نیست، به انسان داده شده و بنابراین، حکمت این شرور اختیاریه، تمییز است؛ هم تمییز صالح از فاسد و هم تمییز بین مراتب صلاح و فساد.

انواع شرور اضطراریه

نوع دوم از شرور، شرور اضطراریه بود که با اختیار انسان، حاصل نمی شوند. زلزله ها، سیل ها و نقص هایی موجود در خلقت انسان که موجب تولد افرادی با نقص های مادرزادی می شوند، از این دست شرور محسوب می شوند. این شرور هم بر سه نوعند:

۱. شرور اضطراریه حاصل از سوء اختیار انسان

اضطراری که با سوء اختیار، حاصل می شود، موجب این شرور می گردد و الاضطرار بالاخیار لا ینافی الاختیار؛ پس این هم به اختیار انسان باز می گردد. مثلاً کسی که یک گزینش بد می کند و براساس این گزینش بد، نتایجی اضطراری بر آن، مترتب می گردد، اما بازگشت این نتایج اضطراری مترتب بر این گزینش بد، به خود انسان است؛ چون از ابتدا می توانست گزینش بد نکند تا نتایج اضطراری بد بر آن، مترتب نگردد. لذا برگشت این نوع از شرور اضطراری، به همان شرط اختیاری است که در قسم اول گذشت و حکمتش نیز همان است؛ یعنی همان تمییز بین صالح و فاسد، مراتب صلاح و مراتب فساد.

کسی را فرض کنید که وقتی می خواسته ازدواج کند، انتخاب بدی کرده و گرفتار هزاران مشکل شده؛ یا می خواست دست به کسب و کار بزند، ولی کسی نامناسب و حرام را برگزیده و سپس بیمار و گرفتار شده. اینها شرور اضطراریه ای است که بر پایه یک گزینش بد، حاصل می شود.

دانستیم که حکمت این شرور نیز همان حکمت شرور اختیاریه است؛ چون گرچه اضطراری است، اما ریشه در سوء اختیار خود انسان است؛ لذا موجب تمییز بین صالح و فاسد می شود؛ چون کسی که همیشه گزینش های خوب می کرده، باید با کسی که انتخاب هایش همیشه بد بوده، تفاوت داشته باشد و آثار اضطراری یک گزینش را طبعاً کسی که گزینش بد می کند، باید متحمل شود و آثار خوب گزینش خوب هم باید نصیب کسی گردد که گزینش خوب می کند.

۲. شرور اضطراریه‌ای که تکامل انسان در جهان آفرینش، متوقف بر آن‌هاست

خدای متعال گاهی برای اینکه انسان وادار به تلاش شود و استعدادهای انسانی، رشد کند و حرکت در جهان انسانی به وجود آید، مشکلاتی را برای جامعه انسانی پدید می‌آورد که گاهی از آنها به «ابتلاء» تعبیر می‌کنیم و بسیاری از آنها اگر نباشند، انسان رشد نمی‌کند؛ راکد می‌شود و درجا می‌زند. کسی که عزیزی را از دست می‌دهد یا کسی که برای رسیدن به یک هدف بلند، دچار مشکلاتی در سر راه خود می‌شود، باید با آنها مبارزه کند و در اصطلاح قرآنی، کدح نشان دهد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۱.

این کدح و تلاش سخت انسانی، منشأ رشد او می‌گردد و در حقیقت، پلکان و نردبانی است که انسان از طریق آن به مراتب بالای کمال، دست می‌یابد. پس این دسته از شرور، مقدمه الخیرند؛ لذا حکمتشان این است که راهی برای دست‌یابی انسان به کمالند؛ یعنی اگر نباشند، انسان دچار رکود، جمود، ایستایی، فرسودگی و خمودگی می‌گردد و از مقوله «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»^۲ محسوب می‌شوند. پس با توجه به نتایج خیری که بر این دسته از شرور، مترتب می‌شود، بازگشتشان به خیر است.

۳. شرور ناشی از تراحم در عالم وجود

جود، سخاوت و فیض کامل خدای متعال، اقتضا می‌کند هر موجودی را که استعداد پذیرش وجود دارد، بیافریند و گاهی از موجوداتی که استعداد پذیرش وجود دارند، مصالح یک موجود با موجود دیگر، در تضاد قرار می‌گیرد؛ مثلاً برخی از حشراتند که انسان از آنها احساس آزار می‌کند و شر می‌شمارد؛ ولی اگر خود حشره را بسنجیم، موجودی است که استعداد پذیرش وجود داشته و او هم می‌خواهد زندگی کند و زندگی‌اش اقتضائاتی دارد که با اقتضائات زندگی بشر، در تضاد قرار می‌گیرد. در اینجا امر، دائر است بین اینکه خدای متعال چنین موجودی را نیافریند؛ یعنی عالم وجود را عالم بدون تراحم، خلق کند و در این صورت، موجوداتی را که استحقاق و استعداد وجود دارند، چون اقتضائاتشان با موجود دیگر در تراحم است، از فیض وجود، محروم کنند.

این یک راه است؛ اما گزینه دیگر این است که هر دو موجود را بیافریند؛ ولی خدای متعال نقصی را که در اثر تراحم با موجود دیگر به وجود می‌آید، جبران کند یا موجود متراحم با موجود دیگر، تلاش کند که خود را بالا ببرد و به مراتب کمال بیشتری رساند که بر موجود دیگر، غلبه یابد و آن از سد راه بودنش بردارد. این یک راه جبران نقص است و یک راه دیگر، این است که خدای متعال به موجودی که در نتیجه تراحم با موجود دیگر، از برخی آسایش‌ها و منافع محروم شده، منافعش را از طرق دیگر در این دنیا جبران کند و یا منافع از دست‌رفته‌اش را در آخرت، جبران کند.

لذا امر دائر است بین اینکه در عالم تراحم، موجود مزاحم را نیافریند یا آن را بیافریند ولی نقص ناشی از این تراحم را جبران کند. این نقص ناشی از تراحم نیز یا با فعل خود موجود، جبران می‌شود یا با اراده الهی. معلوم است که اگر امر بین عدم الوجود یک موجود و جبران نقص ناشی از وجود او دائر شود، اولی این است که به او وجود بدهند و نقصی را که به موجود دیگر وارد می‌آید، جبران کنند. لذا حکمت عقلی هم وجود چنین موجودی را اقتضا می‌کند.

۱. سوره انشقاق: ۶.

۲. سوره بقره: ۲۱۶.

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله محسن اراکی رحمته الله ۴

بنابراین ما شری که بتوان آن را شر مطلق نامید، در عالم هستی نداریم؛ چون این شر یا ناشی از سوء اختیار خود انسان است؛ یا شری است که کمال انسان بر آن، متوقف است و یا شر ناشی از تراحمی است که جبران می شود. ادامه بحث را إن شاء الله در جلسه آینده، دنبال می کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين